اخبار

پزشکیان:

به معیشت مردم نباید کم‌توجهی شود

یکصدوپانزدهمین جلسه هیات دولت، صبح چهارشنبه ۹ مهر به ریاست رئیس‌جمهور برگزار شد. در این جلسه پس از طرح موضوعات و مسائل اجرایی دستگاه‌ها توسط اعضا، وزیر نیرو از آخرین وضعیت احداث و افتتاح نیروگاه‌های خورشیدی در سراسر کشور گزارش ارائه کرد.

مسعود پزشکیان پس از گزارش عباس علی‌آبادی با تأکید بر اینکه فعالیت صنایع و کارخانجات تولیدی به هیچ وجه نباید به خاطر کمبود برق و گاز متوقف شود، بر ضرورت کاهش هزینه‌های دستگاه‌های اجرایی نیز تأکید کرد و افزود: صرفه‌جویی، مصرف صحیح و افزایش بهره‌وری را باید از خودمان شروع کنیم، همچنین تأمین و تسهیل معیشت مردم باید مهم‌ترین دستورالعمل ما باشد و تحت هیچ شرایطی این موضوع نباید مورد بی‌توجهی یا حتی کم‌توجهی قرار گیرد.

موافقت مشروط مجمع تشخیص با پیوستن ایران به CFT

سخنگوی مجمع تشخیص مصلحت نظام از موافقت اعضای این مجمع با پیوستن مشروط ایران به سی‌اف‌تی خبر داد.

محسن دهنوی روز گذشته در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «مجمع تشخیص مصلحت نظام پس از برگزاری ۴ جلسه در صحن و نشست‌های کمیسیون مشترک، در جلسه امروز با پیوستن ایران به کنوانسیون سی‌اف‌تی به صورت مشروط موافقت کرد».

شورای نگهبان طرح تشدید مجازات جاسوسی برای اسرائیل را تأیید کرد

عضو حقوقدان و سخنگوی شورای نگهبان از تایید طرح «تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی» و لایحه «ساماندهی پرنده‌های هدایت‌پذیر از راه دور (پهپاد) غیرنظامی» خبر داد.

بر اساس متن اصلاح شده، مجازات هرگونه «فعالیت اطلاعاتی و جاسوسی و اقدام عملیاتی» برای «دولت‌ها و گروه‌های متخاصم» اعدام و مصادره اموال است. در این مصوبه همچنین تاکید شده است: جز آمریکا و اسرائیل که «دولت متخاصم» محسوب می‌شوند، مرجع تشخیص سایر «دولت‌ها و گروه‌های متخاصم» شورای عالی امنیت ملی است. هادی طحان‌نظیف از تایید این قانون در شورای نگهبان خبر داد.

جلسه لاریجانی با اعضای کمیسیون امنیت ملی مجلس

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی درباره نشست مشترک اعضای این کمیسیون با دبیر شورای عالی امنیت ملی اظهار داشت: «اگر بخواهیم جلسه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با دبیر شورای عالی امنیت ملی را خلاصه کنیم، دقیق‌ترین عبارت تأکید طرفین بر موضوع مقاومت ملی بود».

روح‌الله نجابت، همچنین تصریح کرد: «در این جلسه آقای لاریجانی نیز با به کار بردن این تعبیر که مهم‌ترین مساله کشور در حال حاضر مقاومت ملی است، بر ضرورت ارتقای همبستگی و یکپارچگی اجتماعی میان گروه‌ها و نیروهای مختلف داخلی تأکید کرد و افزود: پیروزی و غلبه بر دشمن جز از مسیر همبستگی در فضای اجتماعی و سیاسی امکان‌پذیر نخواهد بود. بحث‌های مفصل‌تری نیز در موضوع امنیت ملی کشور مطرح شد که در جای خود باید به آنها پرداخته شود».

عراقچی:

آمریکا مقصر شکست مذاکرات است

وزیر امور خارجه کارشکنی آمریکایی‌ها را عامل اصلی به ثمر ننشستن مذاکرات با کشورهای اروپایی و طرف آمریکایی اعلام کرد.

سیدعباس عراقچی در جلسه چهارشنبه هیات دولت با ارائه گزارشی از دیدارها و مذاکرات با کشورهای اروپایی و طرف آمریکایی، قبل و حین سفر به نیویورک تصریح کرد: تمام رایزنی‌ها و انعطاف‌های لازم و ضروری به منظور اتمام حجت با این طرف‌ها صورت گرفت اما همانگونه که از قبل هم پیش‌بینی می‌شد، این مسیر با کارشکنی‌های آمریکایی‌ها به سرانجام نرسید.

راه‌حل تحلیلگر صهیونیست برای مقابله با ایران

تضعیف از درون

مدیر برنامه «ایران و محور شیعه» در مؤسسه مطالعات امنیت قومی در تل‌آویو، تنها راه‌حل واقعی برای انواع چالش‌ها و تهدیدها از سوی ایران نسبت به اسرائیل را تغییر رژیم تهران می‌داند اما تأکید می‌کند نتانیاهو این واقعیت را تشخیص داده است که دستیابی به این هدف از طریق حمله نظامی غیرممکن است.

از نظر «راز زیمت» بهینه‌ترین راه‌حل، یا حداکثر چیزی که او می‌تواند آرزو کند، تضعیف رژیم ایران تا جایی است که خود مردم ایران قیام و سعی کنند نظام را از درون سرنگون کنند.

از نظر او، اسرائیل تنها از توافقی راضی می‌شود که شامل ۲ عنصر اصلی باشد: یکی غنی‌سازی صفر و دوم بازرسی‌های بسیار سختگیرانه‌تر و سرزده توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.

در عین حال زیمت احتمال رسیدن به هر نوع توافقی بین ایران و ایالات متحده را بسیار کم می‌داند، زیرا از نظر او ایرانی‌ها با غنی‌سازی صفر موافقت نمی‌کنند و آمریکایی‌ها هم از ایده غنی‌سازی صفر دست برنمی‌دارند.

چرا استیو ویتکاف سر قرار نیامد؟

نگاه

ادامه از صفحه اول

این اظهارات که در گزارش‌های الجزیره و رویترز بازتاب بسیاری یافته، تأکید دارد اروپا نه شریک مستقل، بلکه ابزاری در دست آمریکاست. نتیجه این بازی، وابسته کردن اقتصاد ایران به نوسانات دیپلماتیک است؛ جایی که تمرکز ملی از پیشرفت داخلی به انتظار بیهوده از غرب منحرف می‌شود.

■ شروط غیرمنصفانه تروئیکا؛ فشار زیر سایه آمریکا

تروئیکای اروپا که ظاهراً مستقل عمل می‌کند، در واقع مهره‌ای در بازی بزرگ‌تر آمریکاست. تابستان ۱۴۰۴، این ۳ کشور برای خودداری از فعال‌سازی مکانیسم ماشه، ۳ شرط سنگین بر ایران تحمیل کردند: نخست، بازگشت فوری بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تأسیسات هسته‌ای و امضای تفاهمنامه جدید؛ دوم، آغاز مذاکرات مستقیم با آمریکا بر سر همه موضوعات، از جمله برنامه هسته‌ای و موشکی؛ و سوم، تعیین تکلیف ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصد. این شروط که در بیانیه مشترک وزرای خارجه انگلیس، فرانسه و آلمان اعلام شد، نه تنها غیرواقع‌بینانه، بلکه مغایر روح برجام بود.

ایران، در پاسخ، به مدالیته جدیدی در قاهره با آژانس رسید که شفافیت را بدون تسلیم تضمین می‌کند. با این حال، مساله اورانیوم ۶۰ درصد که بخش عمده آن در تأسیسات فردو و نطنز ذخیره شده بود، به دلیل حملات اخیر، پیچیده‌تر شده است. وزارت امور خارجه ایران بارها تأکید کرده دسترسی به این تأسیسات که زیر آتش اسرائیل و آمریکا قرار گرفته، ممکن نیست و نمی‌توان از سرنوشت این مواد خبر داد. اما تروئیکا، بدون توجه به این واقعیت‌ها، بر شروط خود اصرار دارد. این فشار که توسط گزارش‌های پارلمان بریتانیا مستند شده، نشان می‌دهد چگونه اروپا، تحت نفوذ آمریکا، از ابزارهای حقوقی برای تضعیف ایران استفاده می‌کند.

عراقچی در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان، این شروط را «غیرواقع‌بینانه» خواند و هشدار داد اروپا با پیروی از آمریکا، فرصت‌های دیپلماتیک را نابود می‌کند. گزارش‌های پارلمان بریتانیا و شورای روابط خارجی آمریکا نشان می‌دهد این فشارها، نه برای صلح، بلکه برای تضعیف موقعیت ایران طراحی شده است. چنین رویکردی، اقتصاد ایران را با تورم و رکود روبه‌رو می‌سازد و سیاست داخلی را به ورطه وابستگی می‌کشاند؛ جایی که تصمیم‌گیری‌ها بر پایه وعده‌های پوچ غرب قرار می‌گیرد.

■ حملات نظامی در اوج مذاکرات؛ نماد خیانت آشکار

شاید تلخ‌ترین فصل این داستان، حملات نظامی اسرائیل و آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران در خرداد و تیر ۱۴۰۴ باشد؛ درست در اوج مذاکرات. طبق گزارش‌های شورای روابط خارجی و آرمز کنترل، آمریکا ۲۲ ژوئن/اول تیر، با عملیات هوایی، ۳ سایت کلیدی – فردو، نطنز و اصفهان – را هدف قرار داد. این حملات که در آستانه دور ششم مذاکرات غیرمستقیم بود، هرگونه پیشرفت در مذاکرات را بر باد داد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، این حملات را «موفقیت‌آمیز» خواند. پس از آن آمریکا سعی کرد از هرگونه مذاکره با ایران خودداری کند.

عراقچی در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان، این حملات را «نقض فاحش اصول دیپلماتیک» توصیف کرد و گفت اروپا، تحت تأثیر آمریکا، از محکوم کردن آن خودداری کرد. گزارش‌های واشنگتن‌پست تأکید دارد این اقدامات، بخشی از استراتژی ردیابی و نابودی برنامه هسته‌ای ایران بوده که نتیجه‌اش بی‌اعتمادی عمیق‌تر میان ۲ کشور است. در سیاست داخلی، این حملات نشان می‌دهد منتظر ماندن برای مذاکره، امنیت ملی را به خطر می‌اندازد و اقتصاد را با هزینه‌های بازسازی سنگین روبه‌رو می‌سازد.

در نهایت، مذاکره با آمریکا، بر اساس تجربیات تاریخی و رویدادهای ۱۴۰۴، تأمین‌کننده منافع ایران نبوده است. از رد پیشنهاد نیویورک تا حملات نطنز، آمریکا نشان داد دیپلماسی را ابزاری برای سلطه می‌بیند.

دولت پزشکیان، با رد مذاکرات مستقیم توسط رهبر معظم انقلاب در یکم مهرماه ۱۴۰۴، مسیر درستی را برگزید: تمرکز بر اقتصاد مقاومتی، تقویت دیپلماسی با شرق و پیشرفت علمی بدون وابستگی.

جنگ می‌شود یا نمی‌شود؟

یادداشت

ادامه از صفحه اول

با این حال به مرور، تحلیل‌های متفاوت ظهور و بروز کرد و اکنون، یعنی ۳ ماه پس از توقف جنگ، با وجود اینکه تعداد کارشناسانی که معتقد به وقوع جنگ هستند همچنان بیشتر از مخالفان این ایده است اما گذشت زمان سبب شد تردیدهای جدی در انگاره حمله نظامی مجدد ایجاد شود و به همین خاطر، برخی کارشناسان مطرح کشور، حتی با قطعیت از منتفی شدن جنگ با ایران می‌گویند.

اما دلیل یا دلایل این کارشناسان چیست؟

این کارشناسان دلایل زیادی برای اثبات این دیدگاه خود، یعنی عدم وقوع حمله نظامی مجدد به ایران مطرح می‌کنند.

۱- از بین رفتن مولفه غافلگیری: یکی از نقاط قوت رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۲ روزه، غافلگیر شدن ایران بود. این غافلگیری در واقع هدیه ترامپ به نتانیاهو بود. بدون تردید کمتر کسی در دنیا تصور می‌کرد دولت آمریکا در میانه مذاکرات با ایران، به رژیم صهیونیستی برای حمله به ایران چراغ سبز نشان دهد. به همین خاطر، غافلگیری ایران نه به واسطه توان اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، بلکه ناشی از بدعهدی و بداخلاقی آمریکایی‌ها بود. ایران اگرچه بامداد ۲۳ خرداد غافلگیر شد اما این غافلگیری، نه در اصل وقوع حمله، بلکه درباره شکل حمله رخ داد. ایران تقریبا پس از حمله رژیم صهیونیستی در ۵ آبان و به صورت مشخص، از اواخر آذر ۱۴۰۳ به این نتیجه رسیده بود حمله نظامی رژیم صهیونیستی قطعی است اما به واسطه انجام مذاکرات هسته‌ای با آمریکا و قول ویتکاف به عراقچی مبنی بر عدم وقوع حمله در زمان جاری بودن مذاکرات، تصور می‌شد این حمله تا قبل از تعیین تکلیف مذاکرات رخ نخواهد داد. البته با این وجود، در شب حمله و با توجه به تحرکات جنگنده‌های رژیم صهیونیستی و اطلاعاتی که ایران کسب کرده بود، یک آمادگی نسبی ایجاد شده بود. کما اینکه فرمانده کل سپاه و تعدادی از فرماندهان ارشد نیروی هوافضای سپاه، در محل کار خود و در اتاق عملیات به شهادت رسیدند اما مهم‌ترین غافلگیری ایران، مربوط به شیوه حمله بود. شاید تصور می‌شد حمله رژیم صهیونیستی، محدود به تاسیسات هسته‌ای و برخی مراکز موشکی ایران باشد. قطعا به هیچ عنوان تصور نمی‌شد رژیم صهیونیستی اقدام به ترور فرماندهان ارشد نظامی ایران، آن هم در حالی که برخی از این فرماندهان در خانه و در کنار اعضای خانواده خود بودند، کند. همین‌طور تصور نمی‌شد رژیم صهیونیستی دست به چنین جسارتی بزند که به تهران حمله کند و آنگونه که طی ۱۲ روز جنگ شاهد بودیم، عمل کند. به هر حال، اگرچه به سرعت و بر اساس تدابیر فرماندهی کل قوا و همین‌طور پروتکل‌های طراحی‌شده، ایران در کمتر از یک روز انسجام خود را احیا و حمله به رژیم صهیونیستی را آغاز کرد اما به هر حال، این غافلگیری رخ داد.

بدون تردید عنصر غافلگیری، در تصمیم مقامات رژیم صهیونیستی برای حمله به ایران نقش کلیدی داشت. اکنون اما می‌توان گفت این عنصر کلیدی، دیگر در اختیار رژیم صهیونیستی قرار ندارد. حالا ایران نه تنها آماده جنگ جدید است، بلکه برای همه سناریوها- تاکید می‌شود برای همه سناریوها- برنامه‌ریزی کرده است. بر همین اساس، به نظر می‌رسد رژیم صهیونیستی دیگر از امتیاز غافلگیر کردن ایران برخوردار نیست. کارشناسانی که معتقدند دیگر جنگی رخ نمی‌دهد، بر این باورند نقش عنصر غافلگیری در جنگ ۱۲ روزه بیشتر از عناصر و مولفه‌های دیگر بود و اکنون، فقدان این عنصر، توان رژیم برای ضربه زدن به ایران را کاهش داده است.

۲- آمادگی نیروهای مسلح: باید تعارف را کنار گذاشت. جنگ ۱۲ روزه باعث هوشیار شدن فرماندهان و تئوریسین‌های نظامی ایران نسبت به سطح و کیفیت درگیری با رژیم صهیونیستی شد. اکنون با توجه به مناسبات میان واشنگتن و تل‌آویو، هر نوع درگیری با رژیم صهیونیستی را باید در میدان، به مثابه جنگ با آمریکا تلقی کرد. می‌توان به جرأت گفت جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه ایران، مدرن‌ترین جنگ تاریخ بشر بود. بر همین اساس، ۱۲ روز جنگ، زمان مناسبی بود تا فرماندهان ایرانی هم یک درک واقع‌بینانه نسبت به جنگ با رژیم صهیونیستی و آمریکا پیدا کنند و هم یک برآورد مناسب و مطلوب نسبت به نقاط قوت و ضعف خود در چنین سطحی از جنگ مدرن بیابند. نیروهای مسلح ایران در ۳ ماه گذشته اقدامات مهمی انجام داد. این اقدامات در راستای راهبرد تنظیم آرایش دفاعی کشور با واقعیات جنگ مدرن جدید بود. بر همین اساس، هم قدرت آفندی متنوع شد و هم در حوزه پدافند، اقدامات مهمی در راستای تقویت رینگ‌های پدافندی کشور انجام پذیرفت. تاکتیک‌های دشمن در جنگ ۱۲ روزه باعث شد اطلاعات مهمی در حوزه پدافندی دریافت و تدابیر ویژه‌ای برای ناامن‌سازی کریدورهای هوایی جنگنده‌ها و پهپادهای دشمن در نظر گرفته شود.

روایت‌های مختلفی هم درباره خرید تجهیزات مدرن آفندی و پدافندی مطرح شده است. به هر حال، ایران اقدامات مهمی در ۳ ماه گذشته انجام داده است که بدون تردید باعث ایجاد تغییرات مهمی در حوزه توان نظامی کشور شده است. کما اینکه به گفته رئیس مجلس شورای اسلامی، اگر رژیم صهیونیستی دوباره بیاید، متوجه خواهد شد خیلی چیزها تغییر کرده است.

به هر حال، نیروهای مسلح ایران نه‌تنها دیگر غافلگیر نخواهند شد، بلکه قدرت دفاعی، اعم از آفندی و پدافندی ایران، قطعا به مراتب بیشتر از بامداد ۲۳ خرداد است.

۳- اثبات قدرت موشک‌های ایران: رژیم صهیونیستی بامداد ۲۳ خرداد، برای مهار قدرت موشک‌های ایران، یک سناریوی دووجهی طراحی کرده بود. بر اساس این سناریو، تصور می‌شد ایران تا چند روز در شوک غافلگیری گرفتار شود. در این مدت، جنگنده‌ها و پهپادهای پیشرفته رژیم مانند هرمس، هم مراکز موشکی و هم مراکز مربوط به چرخه تامین و ساخت موشک را هدف قرار می‌دادند. به همین واسطه، تئوریسین‌های جنگی رژیم صهیونیستی و آمریکا به این نتیجه رسیده بودند در این بازه غافلگیری، بخش مهمی از قدرت آفندی ایران از بین می‌رود. وجه دوم این سناریو نیز اعتماد به سامانه‌های چندگانه و چندلایه سیستم پدافند موشکی رژیم صهیونیستی بود. به عبارتی، بر اساس این سناریو، از یک سو بخش زیادی از توان موشکی ایران از طریق بمباران مراکز موشکی از بین می‌رفت و پس از آن، شلیک‌های محدود ایران با پدافند چندلایه موشکی در سرزمین اشغالی، رهگیری شده و مورد اصابت قرار می‌گرفت اما این سناریو با شکست مواجه شد. با وجود غافلگیری، ایران درست در همان روز حمله رژیم صهیونیستی، حملات موشکی دقیق خود را آغاز کرد و به مرور در طول جنگ، ضریب موفقیت موشک‌ها به ۹۰ درصد رسید. قدرت تخریب موشک‌های ایرانی نیز از تصاویر و فیلم‌های منتشرشده کاملا روشن شد. کانال ۱۲ تلویزیون رژیم صهیونیستی اخیرا فاش کرد در روز چهارم جنگ، مقامات اطلاعاتی -امنیتی اسرائیل بر سر ادامه جنگ با ایران، با نتانیاهو به اختلاف نظر رسیدند و صراحتا از او خواستند با توجه به شکست پروژه، جنگ را متوقف کند. در گزارش کانال ۱۲ توضیح داده شد یکی از دلایل اختلاف مقامات امنیتی و اطلاعاتی رژیم با نتانیاهو، تداوم شلیک موشک از سوی ایران و قدرت تخریب این موشک‌ها بود. این افشاگری به وضوح ثابت می‌کند در طراحی سناریوی جنگ، بر تضعیف قدرت موشکی ایران و مهار شلیک موشک از ایران حساب ویژه‌ای شده بود. اما پس از شکست این سناریو و حملات دقیق و حساب‌شده موشکی ایران به مراکز و تاسیسات رژیم صهیونیستی، مقامات اطلاعاتی رژیم ادامه این جنگ را بی‌فایده دانسته و خواستار توقف جنگ شدند. حجم تخریب و خسارات اصابت موشک‌های ایرانی در سرزمین اشغالی بی‌سابقه بود. به تعبیر یکی از رسانه‌های آمریکایی، جنگ ۱۲ روزه بزرگ‌ترین جنگ موشکی تاریخ بود. ایران از میانه جنگ، یک تاکتیک موثر به کار بست که آن انجام حملات در طول ۲۴ ساعت بود. این تاکتیک جنگی باعث شد اشغالگران ساعات زیادی از شبانه‌روز را در پناهگاه‌ها سپری کنند و همین موضوع فشار مضاعفی بر کابینه نتانیاهو وارد کرد. به هر حال، قدرت موشکی ایران و ناتوانی رژیم در مقابله با شلیک موشک‌های ایرانی، یکی از واقعیات مهم جنگ است. البته ۲ نکته مهم درباره حملات موشکی ایران در جنگ ۱۲ روزه وجود دارد؛ نخست اینکه آنچه در طول ۱۲ روز جنگ مشاهده شد، بخش کوچکی از توان موشکی ایران بود. بر اساس اظهارنظرهای مقامات ایرانی، در جنگ ۱۲ روزه فقط از ۳۰ درصد ظرفیت موشکی کشور استفاده شد. البته منظور از ۳۰ درصد، کمیت شلیک‌ها نیست، بلکه منظور این است که ایران بخش کوچکی از مراکز موشکی خود را فعال کرد. همچنین از همه انواع موشک‌های خود استفاده نکرد. نکته دوم هم این واقعیت است که به واسطه غافلگیری ناشی از نوع حمله، مواجهه با حالت‌های در نظر گرفته نشده و شهادت فرماندهان نیروی هوافضای سپاه، تقریبا می‌توان گفت تازه از هفته دوم جنگ، ایران بر روند جنگ مسلط شد و اتفاقا از همین تاریخ بود که ضریب موفقیت اصابت موشک‌های ایرانی افزایش یافت و به ۹۰ درصد رسید. بنابراین آنچه در جریان ۱۲ روز جنگ مشاهده شد، همه توان قدرت موشکی ایران نبود. این موضوع سبب می‌شود برآوردهای رژیم صهیونیستی از توان ضربه‌زنی ایران واقع‌بینانه‌تر شود و به اعتقاد کارشناسانی که مدعی هستند دیگر جنگی رخ نخواهد داد، این برآوردها و محاسبات در تصمیم‌گیری‌های رژیم بسیار موثر خواهد بود.

اتفاقا همین واقعیات و محاسبات است که باعث شده کارشناسان داخلی و خارجی به این برآورد برسند که در صورت حمله مجدد رژیم صهیونیستی به ایران، این رژیم خسارات بسیار بزرگ‌تری نسبت به جنگ ۱۲ روزه متحمل خواهد شد.

اینجا لازم است به یک نکته مهم در همین رابطه اشاره شود. در جنگ ۱۲ روزه مشخص شد در حالی که رژیم صهیونیستی توانست کنترل نسبی بر بخشی از آسمان ایران پیدا کند، ایران نیز توانست به مرور بر کل آسمان فلسطین اشغالی مسلط شود. نقطه اتکای رژیم بر قدرت هوایی و هواپایه بودن ارتش این رژیم بود و قدرت ایران نیز متکی به موشک‌های خود. بنابراین ایران بویژه در روزهای پایانی جنگ نشان داد می‌تواند تسلط و سیطره کاملی بر آسمان سرزمین اشغالی پیدا کند.

بر همین اساس با توجه به قدرت آفندی ایران، یکی از احتمالات مطرح درباره وقوع جنگ جدید این است که ایران با استفاده از این برتری خود، در روزهای نخست جنگ، حملات موشکی قدرتمندی از طریق شلیک حجم قابل توجهی موشک به سرزمین اشغالی انجام خواهد داد؛ اقدامی که می‌تواند رژیم صهیونیستی را در همان روزهای نخست جنگ کاملا زمینگیر و مقدمات لازم را برای سایر اقدامات فراهم کند. کما اینکه فرماندهان نظامی ایران تاکید کرده‌اند در صورت حمله نظامی مجدد به ایران، این بار جنگ به سایر مناطق نیز کشیده خواهد شد. بر همین اساس، قطعا محاسبات رژیم صهیونیستی از قدرت آفندی ایران و ظرفیت تاکتیک‌پذیری این قدرت، با محاسبات و برآوردهای آنها قبل از ۲۳ خرداد بسیار متفاوت خواهد بود.

در این بین، حمله موشکی ایران به پایگاه آمریکایی العدید قطر نیز در سرنوشت جنگ و توقف آن بسیار تعیین‌کننده بود. ایران با این حمله، اراده خود برای مقابله به مثل با حملات آمریکا را نشان داد؛ موضوعی که در صورت وقوع جنگ جدید و دخالت مستقیم آمریکا می‌تواند هزینه‌های زیادی به دولت ترامپ وارد کند.

بنابراین اثبات قدرت موشکی ایران، یکی از مولفه‌هایی است که برآوردهای رژیم صهیونیستی درباره جنگ با ایران را نسبت به قبل از جنگ ۱۲ روزه تغییر داده است.

۴- انسجام و همبستگی مردم ایران: این واقعیت نیز برآوردهای دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و آمریکا درباره واکنش مردم ایران به حمله نظامی و دخالت در امور ایران را با شکست مواجه کرد.

اهمیت این انسجام و همبستگی جامعه این است که مرکز ثقل سناریوی تل‌آویو - واشنگتن برای جنگ علیه ایران، استفاده از ظرفیت اجتماعی مردم برای ایجاد آشوب و تغییر نظام است. با وجود مواضع چندباره نتانیاهو و تلاش اپوزیسیون خارجی بویژه سلطنت‌طلبان، مردم ایران به دخالت خارجی «نه» گفتند. این موضوع نشان داد استناد به بیگ‌دیتاها؛ نیز ادعاهای اپوزیسیون ایرانی درباره نحوه واکنش مردم ایران به حمله رژیم صهیونیستی و آمریکا کاملا اشتباه بوده است. البته اینک این همبستگی و انسجام عمومی تقویت نیز شده است. جامعه ایران در طول ۱۲ روز جنگ، به وضوح خوی جنایتکارانه و شهادت مظلومانه کودکان و زنان و مردم بیگناه توسط رژیم صهیونیستی را مشاهده کرد. بر اساس گزارش وزارت بهداشت و سازمان هلال احمر، ۷۰ درصد شهدا و مجروحان جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، مردم عادی و غیرنظامیان بودند. انتشار تصاویر حمله موشکی به خیابانی در تجریش تهران، هرگونه توجیهات رژیم صهیونیستی و عوامل آنها در شبکه‌های تلویزیونی فارسی‌زبان را بی‌اثر کرد. از سوی دیگر، نظام با درک اهمیت این همبستگی و انسجام ملی، سیاست‌هایی را به کار بست و اقداماتی انجام داد که این اتحاد ملی نه‌تنها حفظ، بلکه تقویت نیز شده است. بنابراین در مجموع، آنچه موساد و سیا به عنوان نقطه ضعف جمهوری اسلامی می‌پنداشتند، در عمل به نقطه قوت کلیدی ایران تبدیل شد و اکثریت جامعه ایران در کنار نیروهای مسلح خود، در مقابل دشمن متجاوز ایستاد. دلیل این انسجام و همبستگی، غیر از تجارب تاریخی درباره تبعات و هزینه‌های دخالت خارجی در امور داخلی، خودآگاهی جامعه از پشت پرده و اهداف پنهان رژیم صهیونیستی و آمریکا بود. جامعه به وضوح متوجه شد ادعای نتانیاهو مبنی بر اینکه حمله نظامی به ایران، یک فرصت برای تغییر جمهوری اسلامی است، در واقع یک پوشش برای پیگیری اهداف استراتژیک رژیم صهیونیستی علیه کشورمان بویژه اجرایی کردن پروژه تجزیه ایران است. پس از جنگ و با نمودار شدن مصادیق بیشتری از این استراتژی مانند حملات رژیم صهیونیستی به سوریه و جداسازی ۳ استان قنیطره، درعا و سویدا، برآوردهای جامعه ایران درباره این هدف پنهان رژیم صهیونیستی تقویت شد. در واقع اکثریت جامعه، بخصوص گروه‌های پیشرو و مرجع، به این نتیجه رسیدند هدف رژیم صهیونیستی و آمریکا از تلاش برای تغییر نظام در ایران، ایجاد خلأ سیاسی، از بین رفتن قدرت مرکزی و در نتیجه آن، کُلنگی و چندپاره کردن و نهایتا تجزیه ایران است. این خودآگاهی جامعه درباره مقوله حمله رژیم صهیونیستی به ایران، بزرگ‌ترین و موثرترین خاکریز ایران در مقابل تهاجم رژیم صهیونیستی و آمریکا و بزرگ‌ترین مانع نتانیاهو و ترامپ است. بر همین اساس، کارشناسان معتقدند رژیم صهیونیستی استفاده از ظرفیت اعتراضی در ایران را یکی از مهم‌ترین مولفه‌ها برای پیشبرد جنگ و تحقق اهداف اصلی خود از این جنگ می‌داند. با این حال، تا وقتی مردم ایران یکصدا و همبسته در مقابل رژیم صهیونیستی بایستند، سناریوی اصلی رژیم از حمله به ایران، ناکام خواهد ماند.

بنابراین با توجه به دلایل مطرح شده، بخشی از کارشناسان و صاحبنظران در ایران معتقدند رژیم صهیونیستی و آمریکا فعلا برنامه‌ای برای حمله نظامی مجدد به ایران ندارند.

این کارشناسان در کنار این دلایل، گزاره‌های دیگری را نیز برای اثبات ایده خود مطرح می‌کنند. یکی از این گزاره‌ها، تغییر راهبرد چین و روسیه در قبال حمله نظامی به ایران است. بخصوص عملکرد این ۲ کشور در قبال فعال‌سازی مکانیسم ماشه نشان داد مقامات پکن و مسکو به یک برآورد جدید از واقعیات حمله نظامی به ایران رسیده‌اند. همکاری‌های نظامی - اطلاعاتی چین و روسیه با ایران پس از توقف جنگ نیز در همین راستا ارزیابی می‌شود. درگیری لفظی سفیر چین در تل‌آویو با نتانیاهو بر سر همکاری‌های نظامی پکن - تهران پس از توقف جنگ ۱۲ روزه نیز یکی دیگر از این مصادیق است. بنابراین حمله نظامی رژیم صهیونیستی و آمریکا به ایران اکنون ابعاد بین‌المللی جدیدی پیدا کرده و ارزیابی‌ها نشان می‌دهد برخلاف جنگ ۱۲ روزه، هرگونه حمله نظامی جدید به ایران، برای این رژیم و آمریکا تبعات بین‌المللی و دیپلماتیک به همراه خواهد داشت. در همین راستا تغییر نگاه کشورهای منطقه به جنگ رژیم صهیونیستی علیه ایران نیز حائز اهمیت است. حمله رژیم به قطر، از نیات پنهان تل‌آویو از گسترش جنگ‌افروزی در منطقه غرب آسیا پرده برداشت. بر همین اساس، اکنون همه حکام منطقه به این جمع‌بندی رسیده‌اند در تقابل رژیم صهیونیستی علیه ایران، آنها تحت هیچ شرایطی نمی‌توانند بی‌طرف باشند، چرا که سرنوشت جنگ و تقابل رژیم صهیونیستی علیه ایران، به صورت مستقیم بر منافع این کشورها اثر خواهد گذاشت. به عبارت دقیق‌تر، حمله رژیم صهیونیستی به قطر نشان داد این رژیم تهدید اول و اصلی منطقه است، لذا این کشورها باید از هر تلاشی برای مهار و کنترل این تهدید استقبال کنند. واقعیت این است که اکنون ایران و جبهه مقاومت، اصلی‌ترین موانع بر سر راه تحقق سناریو نتانیاهو برای سلطه بر منطقه هستند. بنابراین کارشناسان معتقدند تغییر نگرش نسبت به جنگ رژیم صهیونیستی علیه ایران، چه در بین سران کشورهای منطقه و چه در بین مقامات تصمیم‌گیر در چین و روسیه، تاثیر زیادی بر معادلات مواجهه رژیم صهیونی و آمریکا علیه ایران دارد.

در مجموع با استناد به همه این علل و دلایلی از این دست؛ به مرور پس از توقف جنگ ۱۲ روزه، بخشی از کارشناسان در ایران به این نتیجه رسیدند نتانیاهو و ترامپ، با وجود سناریوی اولیه و تمایل شخصی، فعلا نمی‌توانند مرحله دیگری از اقدام نظامی مستقیم علیه ایران را اجرا کنند.

■ کدام دیدگاه درست است؟

به هر حال اکنون این ۲ دیدگاه متضاد درباره احتمال یک جنگ جدید علیه ایران، مطرح است. قاعدتا با وجود تفوق تعداد کارشناسان معتقد به وقوع جنگ جدید بر تعداد کارشناسان مقابل اما فعلا نمی‌توان با قطعیت گفت کدام دیدگاه دقیق‌تر و واقع‌بینانه‌تر است. این زمان است که ثابت می‌کند کدام دیدگاه درست بوده است. ضمن اینکه عنصر اتفاقات و تحولات جدید بر نتیجه این برآوردها را نیز باید در نظر داشت.

با این حال آنچه می‌توان با قطعیت نظر داد، تکالیف داخلی برای مقابله با تهدید جنگ است. اکنون نیروهای مسلح کشور در آمادگی کامل به سر می‌برد. مواضع فرماندهان نظامی مبنی بر آمادگی کامل برای رویارویی با دشمن نیز دقیق و بجاست. چه جنگ شود و چه نه؛ نیروهای مسلح کشور باید هم در عالی‌ترین سطوح آمادگی باشد و هم این آمادگی را اعلام کند.

از سوی دیگر، همان‌گونه که گفته شد، اکنون مهم‌ترین امتیاز و بزرگ‌ترین نقطه قوت ایران، اتحاد و همبستگی ملی است. تا زمانی که این انسجام و همبستگی حفظ و تقویت شود، بدون شک نتانیاهو و ترامپ به اهداف خود نخواهند رسید. اتحاد میهنی مردم در دوران جنگ ۱۲ روزه خلق شد و پس از آن نیز ادامه داشت. این اتحاد و همبستگی هم در توقف جنگ موثر بود و هم در به درازاکشیدن زمان آتش‌بس نقش اساسی داشته. یکی دیگر از ثمرات همبستگی مردم، فائق آمدن بر شرایط «نه جنگ، نه صلح» است. کاملا پیداست رژیم صهیونیستی و آمریکا تلاش می‌کنند سایه جنگ را بر سر ایران حفظ کنند تا تبعات سیاسی، امنیتی و اقتصادی این وضعیت بر ایران تحمیل شود. حضور مردم در صحنه‌های مختلف بویژه اقتصادی و نشان دادن روحیه کار و تلاش در از بین بردن این شرایط بسیار موثر است.

در کنار آمادگی نیروهای مسلح و همبستگی ملی، انسجام مسؤولان و مقامات تصمیم‌گیر بویژه نسبت به مواجهه با دشمن، بسیار تعیین‌کننده است. این همبستگی بویژه در اتخاذ تدابیر لازم برای حمایت از معیشت مردم و حفظ و تقویت قدرت خرید مردم و اقشار ضعیف می‌تواند مانع طمع‌ورزی دشمن شود. سرمایه‌گذاری غرب بر فعال‌سازی مکانیسم ماشه و چشم امید داشتن به فشارهای اقتصادی و معیشتی تحریم‌ها باید با انسجام و عمل مجاهدانه مقامات مسؤول ناکام بماند.

در شرایط فعلی، دقیق‌ترین و واقع‌بینانه‌ترین برآورد و رفتار، مدیریت شرایط و تمهیدات لازم برای انجام امور جاری زندگی مردم است. البته بدیهی است تدابیر و تمهیدات لازم برای هر شرایطی باید اندیشیده شود اما بزرگ‌ترین آسیب تحمیل شرایط «نه جنگ، نه صلح»، بلاتکلیفی و فرسودگی اجتماعی است که بویژه در مسائل اقتصادی و سرمایه‌گذاری تاثیر خود را خواهد گذاشت.

بنابراین اکنون جنگ اصلی، نه در میدان، بلکه در اذهان رخ داده است.